

بررسی عوامل موثر بر گسست نسلی

زهرا دوستی^۱

چکیده

امروزه ساختار روابط میان والدین و فرزندان در خانواده دستخوش تغییرات اساسی و جدی شده است. هر چند برخی از این تغییرات امری طبیعی و لازمه پیشرفت و رشد جامعه است و تقریباً در همه جوامع و زمان‌ها وجود داشته است، اما هنگامی که گسترش یابد؛ به مسیله‌ای مهم تبدیل می‌شود و می‌تواند سرمنشاء آسیب‌های زیادی در خانواده و به تبع آن جامعه باشد. بنابراین نمی‌توان گسست بین نسلی را امری طبیعی دانست و از آن چشم‌پوشی کرد و باید به دنبال راهکارهایی برای کاهش این مسیله مهم بود. یافته‌های قبلی نشان داده‌اند که عوامل تربیتی درون خانوادگی همچون اشتغال روز افزون والدین، فاصله سنی زیاد والدین با فرزندان، عدم آشنایی والدین و فرزندان از ویژگی‌های یکدیگر و عوامل برون خانوادگی همانند جهانی شدن، مدرنیته شدن، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی موجب ایجاد پدیده گسست نسلی شده است. در این پژوهش که به روش توصیفی اسنادی و با مطالعه منابع جامعه‌شناختی و تربیتی انجام شده است از دیدگاه‌های مختلف به توصیف و تبیین موضوع گسست نسلی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شکاف نسلی، گسست فرهنگی، تفاوت نسلی

مقدمه

^۱سطح دو حوزه رکن الملک

گرچه موضوعات نسل و جوان در بحث های تاریخی و تفکرات اجتماعی و جامعه شناسی، موضوع جدیدی نیست اما طرح مسئله گسست نسلی سابقه زیادی ندارد و این مسئله عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و به صورت جدی در دهه ۶۰ در جوامع اروپایی مطرح شد و چالش هایی بر سر این موضوع بین متفکران اجتماعی و جامعه شناسان بوجود آمد. یکی از آسیب های مهم و اساسی امروز جامعه ی جهانی و جامعه ی ما، اختلاف بین نسل ها در زمینه های مختلف است که سرچشمه ی پیدایش مشکلاتی می شود که هم می توان به عنوان آسیب های اجتماعی از آن یاد کرد و هم به صورت مسائل و بحران های خانوادگی به آن توجه داشت. در برخورد نسل ها با یکدیگر سه وضعیت تصور می شود: پیوند نسل ها، تفاوت نسل ها و تقابل نسل ها. حالت پیوند میان نسل ها زمانی است که حوزه ی ارزش ها، هنجارها و رفتارهای دو نسل با هم منطبق باشند؛ در این حالت همدلی میان نسل سالخورده و جوان و احترام متقابل همراه با انتقال یکدیگر است؛ اما در حوزه ی رفتاری آن ها. زمانی که نه در حوزه ی هنجارها و نه در حوزه ی رفتاری توافقی وجود نداشته باشد، دچار گسست یا انقطاع نسل می شویم.^۱ با توجه به حساسیت و اهمیت این موضوع مطالعات گسترده ای توسط پژوهشگران و محققان متعددی در این زمینه انجام شده است که به عنوان نمونه می توان از پژوهش های انجام شده در خارج از کشور توسط بنگستون، رونالد اینگلهارت، بنجامین اسپاک و پژوهش های داخلی مانند، بررسی عوامل و زمینه های گسست نسل ها که توسط محمد سبحانی نیا (۱۳۷۹) و مجموعه مقالات گسست نسل ها توسط هاشم اقا جری و محمود سریع القلم (۱۳۸۲) انجام شده است. در این مقاله نسبت به مقالات قبلی خلاصه تر ولی با مفهوم کلی تر به عوامل موثر بر گسست نسل ها به طور کلی در دنیا و پس از آن در ایران پرداخته شده است.

معنای نسل

واژه ی نسل در جمعیت شناسی به گروهی از افراد اطلاق می شود که مرحله ای از زندگی را با یکدیگر آغاز کرده اند و با هم به پایان می رسانند. گروهی در یک زمان فارغ التحصل می شوند، گروهی در یک زمان نسبتاً نزدیک به هم به دنیا می آیند و یا ازدواج کرده اند.^۲ برخی نسل را گروهی از افراد می دانند که در فاصله زمانی معین به دنیا آمده اند.

تفاوت نسل ها

^۱ سبحانی نیا، محمد، بررسی عوامل و زمینه های گسست نسل ها، فصلنامه ره توشه، ش: ۱۵۹، ص ۳۷-۵۰

^۲ باقر سارو خانی، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، ص ۱۰۷

تفاوت نسل ها امری طبیعی است؛ به گونه ای که با وجود نداشتن تفاوت بین نسل امروز و نسل گذشته در طول سال های متمادی زندگی، جوامع انسانی توسعه پیدا نمی کرد و جامعه تبدیل به مردابی راکد می شد. نس امروز نسل ماهواره، اینترنت، موبایل و نسل انقلاب ارتباطات است. نسل امروز به مدد کامپیوتر و موتور جستجوگر، دنیا را زیر انگشتانش درآورده است. لازمه ی تحول آن است که نسل جدید در منش و بینش، تابلوی نسل قبل نباشد؛ به ویژه با توجه به این که سرعت تحولات در تمامی عرصه های زندگی بشری، با شتاب بیشتری رو به افزایش است؛ از این رو تفاوت نسل ها بیش از گذشته احساس می شود. امروزه سرعت رشد اطلاعات و تکنولوژی در خانواده ها به قدری زیاد شده است که حتی دو فرزند با فاصله سنی کم نیز با یکدیگر متفاوتند. اگر در گذشته و پیش از عصر ارتباطات، اطلاعات و گردش سریع علمی میانگین طول یک نسل ۲۵ سال بوده است، امروزه با توجه به شرایط موجود فاصله نسل ها به کمتر از پنج سال کاهش پیدا کرده است.

گسست و فاصله نسل ها

فاصله ی آرام آرام و تدریجی دو یا سه نسل پی در پی و پشت سر هم با یکدیگر از جنبه های عاطفی، فکری و ارزشی وضعیت جدیدی را بوجود می آورد که در اصطلاح گسست نسل ها نامیده می شود. غالباً در این وضعیت نوجوانان و جوانان می کوشند آخرین پیوند های وابستگی خود از والدین را با نسل بالغ بازکنند و بیشتر در این راه به هنجار شکنی، طغیان و سرکشی می پردازند^۱. منظور از فاصله نسلی، تفاوت های عمیق هنجاری و رفتاری است که میان نسل اول (پدر بزرگ و مادر بزرگ)، نسل دوم (والدین)، و نسل سوم (نوه ها) پدید می آید. در این رویکرد رابطه ی نسل ها با یکدیگر بر مبنای احساس بی نیازی و استقلال کامل است که در عمل منجر به فاصله گرفتن از یکدیگر می شود و به مرزبندی و جدایی کامل از هم می انجامد. شکاف نسلی زمانی نگران کننده است که با بحران هویت پیوندی عمیق پیدا کرده است. به نظر بنگستون سه دیدگاه عمده درباره ی گسست نسلی وجود دارد؛ (بنگستون، ۱۹۷۰):

۱. دیدگاهی که از وجود گسست نسلی حمایت می کند.

۲. دیدگاهی که گسست بزرگ را توهم می داند و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه ها می داند.

۳. دیدگاه بین دو دیدگاه قبلی که اعتقاد به وجود گسست و تفاوت انتخابی میان نسل ها دارد.

پیروان دیدگاه حمایت از شکافت معتقدند این شکافت یا گسست میان جوانان و بزرگسالان بالنسبه وجود دارد و گسترش یافته است. در این دیدگاه فرهنگ جوانی از فرهنگ مسلط بزرگسالان که بر مبنای ارزش ها و هنجارهای رایج است جدا شده است و در مخالفت با آن قرار گرفته است. از این نظر فرهنگ جدیدی در جوامع صورت گرفته است که بر اساس آن جوانان از میان معاصران، الگوهای نقش خود را انتخاب می کنند. به طور

۱ اسپاک، بنجامین، پرورش فرزند در عصر دشوارما، ص ۲۵۹

کلی این دیدگاه ذهنی و فاقد داده‌های تجربی است. این دیدگاه نمی‌تواند توضیح دهد که چرا ارزش‌ها و هنجارهای جوانان از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان تمایز یافته است. استدلال اساسی آنان مبتنی بر ستیز رفتاری جوانان در برابر بزرگسالان است و بر اساس این تفاوت رفتاری حکم به ارزش‌های متفاوت می‌کنند (روزاک ۱۹۶۹؛ فریدن برگ ۱۹۶۹؛ اسلاتر ۱۹۷۰).

نقطه مقابل این دیدگاه معتقد است ارزش‌های جوانان بی‌شباهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. اگر چه به نظر می‌رسد جوانان ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند، اما این شکافت تماماً ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت در میان جوانان ندارد. به نظر می‌رسد این جدایی مربوط به کاربردی وضعیتی مجوزهای هنجاری برای واقعیت ارزشی باشد. به عبارت دیگر ستیز بین نسلی ناشی از وسایل به کار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است و نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان (ادلسون ۱۹۷۰؛ لیپست ۱۹۶۸؛ لوبل ۱۹۶۸؛ ریز ۱۹۶۸).

سومین دیدگاه یعنی گسست و تفاوت انتخابی، ستیز کم بین ارزش‌های نسل‌ها را می‌پذیرد. در عین حال مدافعان این دیدگاه با فرضیه توهم شکافت و القایی بودن گسست نسلی موافق‌اند (کینستون ۱۹۶۵؛ فلاکس ۱۹۶۷؛ پارسونز ۱۹۵۱؛ مرتن ۱۹۵۷). مشکل این دیدگاه از نظر بنگستون این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند که این اختلاف‌ها چیست؛ چطور ایجاد می‌شود و در آینده چه پیامدهایی دارد.

اینکلهارت در کتاب خود تحت عنوان تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی در مورد تفاوت سنی یا نسل‌ها چهار فرضیه اساسی مطرح ساخته است و درباره‌ی امکان یا عدم امکان شکافت یا گسست نسلی سخن گفته است.

۱. فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی، که بر اساس آن گفته می‌شود تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف، امری طبیعی و مربوط به اقتضائات روانشناختی مربوط به هر دوره از زندگی است و هر گروه سنی پس از سپری کردن دوره‌ی مربوط و رفتن به گروه سنی دیگر، ارزش‌های پیشین در او به تدریج کم‌تر می‌شود و ارزش‌های گروه سنی جدید را به خود می‌گیرد. با این وصف، اگر تفاوت‌هایی در میان ارزش‌های بزرگسالان و جوانان مشاهده می‌کنیم به اقتضای سنی آنان مربوط می‌شود و جوانان نیز با گذر از این شرایط و قرار گرفتن در دوره‌ی بعدی زندگی همان وضعیت بزرگسالان را پیدا می‌کنند و این چرخه همچنان در طی زمان ادامه پیدا می‌کند و پیش می‌رود.^۱

۲. فرضیه دوره‌ای، بر اساس این فرضیه تفاوت سنی با نسل‌ها به فرایند تدریجی تغییر ارزش‌ها در همه‌ی گروه‌های سنی با کمی تفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود. با انجام اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و

۱ اینکلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ص ۱۶-۹۰

اجتماعی و تغییر شرایط زیستی، به تدریج ارزش‌های همراه با آن نیز در کلیه افراد جمعیت تغییرات اساسی ایجاد می‌شود.

۳. فرضیه گروه سنی، این فرضیه تفاوت سنی یا نسل‌ها را در واقع دگرگونی اساسی در ارزش‌های نسل‌های جدید با ارزش‌های نسل‌های پیشین تلقی می‌کند. در واقع، نسل جدید ارزش‌های کاملاً متفاوتی با نسل‌های قبل دارد و با گذشت زمان با ورود گسترده این نسل به عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی به تدریج فرایند جایگزینی ارزش‌های جدید به جای ارزش‌های نسل قبل انجام می‌شود.

۴. فرضیه ترکیبی، بر اساس این فرضیه که خود ترکیب فرضیه اول و دوم است تفاوت سنی یا نسلی، ناشی از چرخه‌ی زندگی، اقتضائات سنی و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر در ارزش‌های نسل جدید است که کم کم با نقش‌های بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی، اجتماعی جایگزین ارزش‌های نسل قبلی می‌شود.

عوامل موثر بر پدیده گسست نسلی

درباره‌ی عوامل موثر بر گسست نسلی دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است. مانهایم یکی از پیشگامان طرح این موضوع و بیان آن در جامعه امروز است. طبق نظریه او همیشه نسل‌های جدید آغازگر خودخواهی ریشه‌ای و متمایز از نسل‌های پیشین نیستند، بلکه برعکس پدیده گسست نسلی عمدتاً در طی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفسیرهای سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌سازند. اعضای این دسته هم در برابر نسل‌های پیشین و میراث‌های فرهنگی، هنجاری عرضه شده از سوی آنان و هم در برابر اعضای از نسل خودشان که خود را وامدار نسل پیشین می‌دانند می‌ایستند. بنابر این بر اساس نظر مانهایم تغییر اجتماع رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌شود (رایدر ۱۹۶۵).

تراوب و دادر با تاکید بر وجود شکاف بزرگ بین نسلی معتقدند علت اساسی پیدایش این شکاف وجود جامعه‌ی تماز یافته است. در چنین جامعه‌ای به نظر نمی‌رسد که جوانان و بزرگسالان به طور معنا دار و مکرر با یکدیگر در کنش متقابل باشند، بلکه جوانان با دیگر جوانان و بزرگسالان با دیگر بزرگسالان در کنش متقابل هستند. تراوب و دادر برای توضیح نظر خود دو مفهوم دیگر را نیز به کار می‌برند که یکی مفهوم هنجارهای مستقر و دیگری هنجارهای پیداشده یا پدید آمده است. هنجارهای مستقر همان مجوزهای رفتاری ساخت یافته و دارای پیشینه‌ی تاریخی یک جامعه است که همیشه در گذشته، وسایل تحقق اهداف بوده و هنجارهای پیدا شده هنجارهایی‌اند که کمتر از هنجارهای مستقر، ساخت یافته‌اند و عمدتاً پیشینه تاریخی نیز ندارند، هر چند معطوف به آینده هم نیستند و در عوض معطوف به اکنون و اینجا (۱۹۸۸). می‌توان گفت مانهایم دورانی

نیاز های خود را در بستر خانواده بیان کنند. همچنین باید اعتقادات فرزندان از کودکی و نوجوانی تقویت شود تا در معرض استفاده ابزاری از سوی جناح های سیاسی یا دوستان ناباب قرار نگیرد. اگر فرزندان به جای این که والدین خود را الگو قرار دهند شخصیت های دیگری را الگو قرار دهند و با آن ها انطباق رفتاری برقرار کنند، بحران در الگو سازی در آن ها با والدین ایجاد می شود که خود یک عامل اساسی و مهم برای گسست نسل ها محسوب می شود.

۵. عدم پذیرش تغییرات اجتماعی

مهم ترین مشکل در مسائل میان نسلی، فقدان پذیرش اختلاف و بی توجهی به نظرات طرف مقابل است. هنگامی که فرد یا نسلی تنها دیدگاه ویژه ی مورد قبول خود و هم قطارانش را بپسندد و از پذیرش نظرات مخالف سر باز بزند، زمینه گسست میان افراد و به تبعه آن گسست نسل ها فراهم می آید. شاید فاصله سنی زیاد به چشم نیاید اما باید پذیرفت که اوضاع تغییر کرده است. حل این مشکل بدون پذیرش و فهم این مسئله تقریباً امکان پذیر نیست. اگر جوانان درک این موضوع را پیدا کنند که سالمندان در دورانی متفاوت با خودشان زیسته اند و رشد کرده اند، توقع نخواهند داشت که مثل خودشان بیاندیشند و عمل کنند و اگر سالمندان هم این نکته را در نظر بگیرند که تغییر زمان و شرایط و نیازها و ارتباطات باعث تغییر سلیقه و تفکر و رفتار و معلومات نسل نو شد است، انتظاراتشان از جوان و نوجوان کمتر و عینی تر خواهد شد و در نتیجه این شکافت و گسست نسلی کمتر اتفاق می افتد.

۶. عدم درک متقابل

یکی دیگر از دلایل مهم گسست بین نسل ها عدم درک متقابل است. جوانان و بزرگسالان از توانایی نداشتن برقراری ارتباط شکایت می کنند و هر کدام دیگری را متهم می کنند. مسن تر ها از بی توجهی ها و نادیده گرفتن های نسل جوان شکایت می کنند و جوان ترها حوصله گلایه ها و شکایات مسن ترها را ندارند^۱. در بسیاری از خانواده های امروزی، والدین و فرزندان ساعت ها کنار هم می نشینند بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. بنا به نظر کارشناسان، والدین به این دلیل نمی توانند با فرزندان خود ارتباط موثر و صمیمانه برقرار کنند که آنان را با زمان جوانی خود مقایسه می کنند و انتظار دارند که فرزندانشان مانند فرزندان آن زمان رفتار کنند، این در حالی است که خودشان نیز در آن زمان با پدر و مادر خود در تضاد بوده اند و همین مشکل را داشته اند.

۷. کم شدن وجه اشتراک های عاطفی

^۱ خبرگزاری ایرنا، کد خبر ۸۲۶۳۵۲۱۸

در کشوری مثل کره جنوبی با وجود اینکه فاصله میان نسل ها زیاد است، نسل قدیم که سنتی تر هستند در جشن ها و برنامه های نسل جدید شرکت می کنند؛ حتی اگر با آن ها ارتباط برقرار نکنند. دلیل این کار را هم تلاشی برای نزدیک شدن به نسل جدید عنوان می کنند و نسل جدید هم با این که شتابان به سمت جلو حرکت می کنند، نسل قدیم را فراموش نمی کنند و همچنان مفهوم احترام به نسل بزرگتر در بین آن ها برجسته است. این کار نشان دهندهی این است که نسل های متفاوت تلاش می کنند تا به یک تفاهم برسند؛ اتفاقی که در کشور ما اتفاق نمی افتد و نسل ها حاضر به تعامل و گفتگو نیستند؛ در نتیجه شکاف نسل به گسست نسل و انقطاع^۱ نزدیک می شود.

برخورد مناسب و سازنده با یک نوجوان و جوان، در گرو رعایت سه اصل مهم جلب اعتماد، فاصله زدایی و ذهنیت شناسی است.

الف. اعتماد سازی

به وجود آوردن اعتماد جزء اولین ابزارهای مهم والدین فهیم و فرهیخته ای است که برای درک فرزند جوان و نوجوان خود از آن استفاده می کنند. جوان و نوجوان باید والدین و نسل قبل از خود را بپذیرند و تا زمانی که آن ها را به دیده پذیرش نبینند و احساس نکنند که آن ها را درک می کنند چیزی از آن ها نمی پذیرند.

ب. همدلی

با ایجاد همدلی، فاصله ی بین جوان و نوجوان با والدین کم رنگ می شود و رابطه ای صمیمانه و کاملاً همدلانه بین آن ها به وجود می آید.

ج. شناخت انتظارات والدین

مهم ترین دلیل گسست بین نسل ها، ناآگاهی فرزندان از خواسته ها و انتظارات والدین است. وقتی فرزندی نمی داند که والدینش از او چه انتظاری دارند، پس نسبت به انجام آن خود را متعهد نمی داند. در گذشته والدین پیوسته وظایف فرزندان را به آن ها تذکر می دادند و با این کار فرزندان خود را با ارزش ها و هنجارها آشنا می کردند، اما در زمان حال والدین آشنایی با ارزش و هنجارها را به عهده خود نسل جوان و نوجوان قرار داده و وظیفه خاصی برای فرزندان خود تعریف نمی کنند به این بسنده کرده است که در جریان اجتماع با آن ها آشنا می شوند و این موضوع به خودی خود شکاف عمیقی بین نسل جدید و نسل گذشته ایجاد کرده است. نسل جدید باید هنر شنیدن را در خود تقویت کند و از تجربیات نسل بالغ بهره ببرند چرا که این نسل حرف های زیادی برای نسل جوان دارد.

^۲خبرگذاری ایرنا، کد خبر ۸۲۶۳۵۲۱۸، مردادماه ۱۳۹۶

علل گسست نسلی در ایران

۱. افزایش رشد جمعیت

۲. تراکم جمعیت در طبقات سنی نوجوانان و جوانان

۳. کاهش میانگین سنی جمعیت

۴. خواسته ها و توقعات نوجوانان و جوانان از مدیران و کارگزاران کشور

۵. نفوذ فرهنگ بیگانه و فرهنگ ماهواره ای و اینترنتی

۶. کم کاری نهادهای فرهنگی و ناتوانی نسل های قبلی در همدلی با نسل های بعدی

نتیجه گیری:

با توجه به آن چه گفته شد گسست نسلی پدید ای جهان شمول است که در تمام جوامع مسئله ساز شده است. نظریه های متفاوتی در این باره وجود دارد که در مجموع نشان دهنده ای این موضوع است که گسست و شکاف نسلی روز به روز در حال پیشروی است و علل متعددی در بوجود آمدن این مسئله دخیل است که اگر شناسایی شوند و راهکارهایی برای مدیریت و حل این مسائل ارایه شود راحت تر می توان با این موضوع مقابله و برخورد کرد. از جمله راهکارهای کاهش گسست میان نسل ها می توان به گفتگوی بین نسل ها، اصلاح طلبی، مشارکت نسل جدید، توجه به دو حوزه ی معرفتی و حوزه سیاستی عملی است که البته در حوزه معرفتی و سیاست عملی باید به این نکته توجه شود که این دو راهکار باید به هم وصل باشند که انجام، اجرای نظریه های سیاسی تولید شده در حوزه معرفتی، از سوی حوزه سیاست عملی است و نتیجه ی آن، نیز کارآمدی نظام سیاسی و کاهش فاصله ی نسل ها است.

منابع:

- اقاجری، هاشم *عصر ما، انقطاع نسل ها، چالش ها و چشم اندازها*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.ش
- *مجموعه مقالات گسست نسل ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.ش
- اسپاک، بنجامین، *پرورش فرزند در عصر دشوار ما*، تهران: انتشارات صفی علیشه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.ش
- اینگلهارت، رونالد، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، (ترجمه مریم وتر)، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۳.ش
- پور جبلی، ربابه، "بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر پدیده انسجام بین نسلی در میان جوانان و مقایسه‌ی آن با والدین"، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان ۱۳۹۱.ش، سال دوم، شماره پنجم
- توکلی، مهناز، *مجموعه مقالات گسست نسل ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.ش
- جلالی، محمدرضا، "مجموعه مقالات گسست نسل ها"، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.ش
- ساروخانی، باقر "شکاف نسلی در خانواده ایرانی، دیدگاه ها و بینش ها"، پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۱۳۸۸.ش سال سوم، شماره چهارم
- سبجانی نیا، محمد، "بررسی عوامل و گسست نسل ها"، فصلنامه ره توشه خانواده، شماره: ۱۵۹، ۱۳۹۷.ش
- سریع القلم، محمود، *مجموعه مقالات گسست نسل ها*، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، بی تا
- معید فر، سعید "شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، بررسی گسست نسلی در ایران"، نامه علوم اجتماعی، ۱۳۸۳.ش، شماره ۲۴

- Adelson, J (1970,January).What generation gap? New York Times Magazin.
- Bengston , V. L (1970). The generation gap: A review and typology of social psychological perspective. Youth and Society, 2, 7-32.
- Mannheim, karl.1952. The problem of generations.” Pp 276-322 in Essays in the sociology of Knowledge, edited by paul Kecskementi. London: Routledge and Kegan paul.
- Nadel, S.F. (1956). The theory of social structure. London: Cohen and West.
- Oxford, Advanced learner’s Dictionary. (2000). Oxford university Press.
- Persons, T.(1951). The social system. Free Press.